

مادر مگه چند سالتِه

دُعَام اینه که خوبِ خوبِ بَشی
دوباره خونه مونیو شاد گنی
باید بمونی تا یه روز بیاد
(داداش حَسَنَمو دوماد گنی) ۲

خونه بی تو، بی روحه
بی تو شب‌ها، تاریکه
از نگاهت معلومه
وقت رفتن نزدیکه

(مادر مگه چند سالتِه، آرزوی مُردنِ نِگن
زخمِ درو و پرو بالتِه، فکرِ پَر کشیدنِ نِگن) ۶

پیچیده توو تمومِ شهرِ مون، حکایتِ تو و شَهامَتِ
ولی حالا که توی بسترِی، کسی نیومده عیادتِ

تا چشاتو می بندی، بابا انگار می میره
انتقامِ آشکاتو، مهدی یه روز می گیره

مادر مگه چی دیدی که، این جوری زمین گیر شُدی
صورتِ چه پریشون شده، یک شبه چقدر پیر شُدی

(مادر مگه چند سالتِه، آرزوی مُردنِ نِگن
زخمِ درو و پرو بالتِه، فکرِ پَر کشیدنِ نِگن) ۳

داداش حَسَنَمو بین توو خواب
که حرفای عجیبی میزنه
مگه چی دیده توی کوچه‌ها
با ما داره غریبی می‌کنه

نیمه بازه چشمِ تو، نیمه شب‌ها بیداری
سَرده خونه اما تو، مثل آتیش تب داری

(مادر چرا مونده هنوز، خاکِ کوچه روو چادرِ
خونه مون توو سُکوته ولی، گریه می‌کنه دخترِ ت) ۲

(مادر مگه چند سالتِه، آرزوی مُردنِ نِگن
زخمِ درو و پرو بالتِه، فکرِ پَر کشیدنِ نِگن) ۵
